

قصه شیرین زوج‌هایی که به پای هم پیر شده‌اند

ده‌ها سال زندگی مشترک



تمام جهیزیه دختران آن دوران چندتکه ظرف و ظروف و یک تخته فرش بود. پسرها هم یکی از اتاق‌های خانه پدری را به محفلی برای آغاز یک زندگی عاشقانه تبدیل می‌کردند و با همین زندگی ساده مهری ماندگار را می‌ساختند



توکل به خدا و توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام، الهام بخش بسیاری از فرزندان شده و نشان داده‌اند که عشق تنها یک احساس نیست، بلکه یک انتخاب و تعهد است. جشن تولد ۹۰ سالگی آنها اداای احترام به سفر قابل توجه در چند دهه زندگی عاشقانه مشترک بود. شاید هم فرصتی برای بازخوانی یک زندگی عاشقانه و رمز و رازهایی که توانسته این زوج را سال‌های سال در کنار یکدیگر نگه دارد و طعم خوش خوشبختی را به خودشان و اعضای خانواده‌شان بچشاند. همچنان که اعضای این خانواده به بهانه جشن تولد آنها دور هم جمع شدند تا از محبت و راهنمایی آنها تشکر کنند.

زندگی‌هایی که از صفر شروع شد

نمونه‌های چنین زوج‌هایی را زیاد در اطرافمان دیده‌ایم. پیرمردا و پیرزن‌هایی که در نقش‌های پدر، مادر، پدربزرگ و مادربزرگ و شاید همسایه و هم محلی و یکی از اعضای خانواده و فامیل می‌شناسیم؛ زوج‌هایی که در نوجوانی و همان سن و سالی که این روزها به «کودک همسری» مشهور است با هم ازدواج کرده‌اند.

عروس‌های ۱۵-۱۴ ساله و دامادهای ۱۹-۱۸ ساله‌ای که شاید کم سن و سال اما آنچنان پخته بودند که توانستند یک زندگی را برای چندین دهه مدیریت کنند و عاشقانه‌ صبورانه با غم و شادی و دارایی و نداری همدیگر ساختند.

جوان‌هایی که زندگی را از صفر شروع کردند. اغلب تحصیلات عالی نداشتند. همچنان‌که که از خانه و ماشین هم در زندگی‌شان خبری نبود. تمام جهیزیه دختران آن دوران چند تکه ظرف و ظروف و یک تخته فرش بود. پسرها هم یکی از اتاق‌های خانه پدری را به محفلی برای آغاز یک زندگی عاشقانه تبدیل می‌کردند و با همین زندگی ساده مهری ماندگار را می‌ساختند.

«به پای هم پیر شوید!» این دعایی است که همیشه برای تازه عروس و دامادها در کنار آرزو برای خوشبخت شدن‌شان از خداوند طلب می‌کنیم. مصداق عینی به پای هم پیر شدن را می‌توان در بسیاری از خانواده‌هایی که در اطراف خودمان می‌شناسیم به عینه مشاهده کرد. خانواده‌هایی که سال‌های سال است در کنار هم زندگی می‌کنند و زن و شوهرهایی که به پای هم در کنار هم پیر شده‌اند و حالا بچه‌ها و نوه نتیجه‌هایشان را سرو سامان داده و خانواده‌های بزرگ و گسترده‌ای را تشکیل داده‌اند. خانواده‌هایی که مهر و عشق میان‌شان می‌تواند الگویی برای جوان‌ترها باشد.

پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که گاهی وقت‌ها بد نیست سراغ‌شان برویم و پای صحبت‌ها و نصیحت‌های‌شان بنشینیم و حرف‌های‌شان را در زندگی‌مان به کار ببریم.

حرف‌هایی که از جنس ساختن و همراه و همدل هم بودن در غم‌ها و شادی‌هاست. حرف‌هایی که پیش از همه خودشان به آن عمل می‌کنند و حاصل آن شده ده‌ها سال زندگی عاشقانه زیر یک سقف. یکی از مصداق این به پای هم پیر شدن‌ها، زوج سالمندی هستند که ۷۱ سال است کنار هم زندگی می‌کنند و ۸۰ فرزند، نوه، نتیجه و نبیره دارند.

یگانه شریعت

خبرنگار چار دیواری

یک جشن تولد متفاوت

همه عاشق و معشوق‌ها مثل لیلی و مجنون مشهور نیستند. در همین دور و بر خودمان کم نداریم زوج‌هایی را که زندگی‌شان پر شور، عاشقانه و مثال‌زدنی است.

بیست و هفتم شهریور ماه سال جاری جشن ویژه‌ای در تهران به مناسبت نودمین سالگرد تولد غلامرضا و شهربانو برگزار شد؛ زوجی که ۷۱ سال از ازدواج و زندگی عاشقانه‌شان می‌گذرد و فراز و نشیب‌های زیادی را در زندگی خود شاهد بوده‌اند.

در این جشن، بیش از ۸۰ نفر از فرزندان، نوه‌ها، نتیجه‌ها و نبیره‌های آنها از راه دور و نزدیک آمده بودند تا محبت و قدردانی خود را به بزرگ خاندان خود ابراز کنند. غلامرضا و شهربانو، پسر عمه و دختردایی هستند که هر دو در سال ۱۳۱۲ در روستای شریف‌آباد اردکان یزد به دنیا آمدند. آنها با هم در خانواده‌ای بزرگ و سنتی رشد یافتند و در آنجا ارزش‌هایی چون صداقت، سخاوت، قناعت، ایمان و سخت‌کوشی را آموختند و در سال ۱۳۳۱ در حالی که فقط ۱۹ سال داشتند، ازدواج کردند.

امید به دیدن نبیره‌ها

غلامرضا و شهربانو سال ۱۳۳۷ با دو فرزند خود از

یزد به تهران نقل مکان کردند و زندگی جدیدی را آغاز کردند. آنها در سال‌های اولیه اقامت در تهران زندگی متوسطی داشتند، اما هرگز از رویاها و امیدهای خود دست نکشیدند. نتیجه این ازدواج ۵ پسر و ۲ دختر است که همگی تحصیل کرده و در شغل و خانواده خود موفق هستند. غلامرضا رضایی شریف‌آبادی و شهربانو مروتی شریف‌آبادی به شدت امید دارند نبیره‌هایشان هم مثل بقیه زود ازدواج کنند تا بتوانند ندیده‌ها را هم ببینند. آنها همیشه برای خانواده و دورهمی‌های خانوادگی وقت گذاشته و مجالس و

مهمانی‌های زیادی را در خانه خود برگزار کرده‌اند. غلامرضا و شهربانو چندین بار به حج عمره، تمتع و عتبات عالیات مشرف شده‌اند.

چند دهه زندگی با عشق

غلامرضا و شهربانو یکی از زوج‌هایی هستند که چند دهه است با هم زندگی می‌کنند و حاصل زندگی پرمهرشان فرزندان و نوه و نتیجه‌هایی است که امید آنها برای ادامه راه هستند. این زوج بیش از هفت دهه است که با مهربانی، شوخ طبعی، خرد،

سپیدبختی در فراز و نشیب زندگی

■ مگر می‌شود جاده زندگی فراز و نشیب و پیچ و خم نداشته باشد؟!

در مسیر زندگی همسرشان پیش آمده عاشقانه در کنارش مانده‌اند و همچون پرستاری دلسوز و رفیقی مهربان همواره همسرشان را همراهی کرده‌اند تا مصداقی از این جمله را به تصویر بکشند که «با لباس سفید که به خانه بخت می‌روید فقط با لباس سفید از این خانه بیرون بیایید.» آخرین زوج‌ها دلشان می‌خواهد سپیدبخت باشند و این بخت سفید را خودشان برای یکدیگر این‌گونه می‌سازند.

بی‌تردید زندگی غلامرضا و شهربانو یا غلامرضا و شهربانوهای دیگری که در اطرافمان می‌شناسیم هم پر از بالا و پایین کم و زیاد داشتن و نداشتن سختی و بیماری و فراز و نشیب‌های متعدد بوده است. رمز و راز موفقیت این زوج‌ها مدیریت و مواجهه درست با سختی‌هایی است که در مسیر زندگیشان قرار گرفته است. همچنان که شاهد آن هستیم برخی از این زوج‌ها با بیماری و چالش‌هایی که



دریچه